

نقد روان‌شناسی قهرمان رمان «العطر الفرنسي»

با تکیه بر نظریه مکانیسم‌های دفاعی فروید

بهنام فارسی*^۱، مریم صالح زاده، سلما قیومی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

۲. استادیار گروه روانشناسی و مشاوره دانشگاه یزد

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

چکیده

رمان «العطر الفرنسي» اثر امیر تاج السّر (۱۹۶۰م- تاکنون) از نویسندگان سودانی، روایتگر زندگی بخشی از جامعه سودان است که در محله «غائب»، به دور از توجه و عنایت حکومت، با مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی دست و پنجه نرم می‌کند. قهرمان این رمان (علی جرجار) به عنوان نماینده قشر ضعیف جامعه سودان، برای فرار از فشارهای روانی و امیال واپس‌زده خویش، از مکانیسم‌های دفاع روانی استفاده می‌کند. مکانیسم‌های دفاعی، فعالیت‌هایی روانی هستند که در قبال پدیدآمدن اضطراب و مفید واقع نشدن فعالیت‌های منطقی برای دفع این اضطراب‌ها به وجود می‌آیند. این مقاله بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نقد روان‌شناسی، ضمن تعریف و تبیین مکانیسم‌های دفاعی، نشان دهد که قهرمان رمان چرا و چگونه از مکانیسم‌های دفاعی بهره‌برده و کدام مکانیسم، کاربرد بیشتری داشته‌است و علت بهره‌برداری بیشتر او چیست. نتیجه به دست آمده این است که اضطراب و تنش نوروتیک، مهم‌ترین عامل استفاده وی از مکانیسم‌های دفاع روانی بوده که با توسل به آن، سعی کرده از ترس خود بکاهد و خویشتن را در حاشیه امنی نگه دارد و با استفاده از مکانیسم‌های دفاعی گوناگون، به خصوص خیال‌پردازی که نشانه شخصیت‌های ناپخته و بلوغ-نیافته است، سعی بر آن دارد تا ضمن فائق‌آمدن بر مسائل و اضطراب‌های ایجاد شده، پاسخی درخور به نیازهای خود دهد، اما ارتباطش را با واقعیت از دست داده، دچار فروپاشی شخصیت (اسکیزوفرنی پارانوئیدی) شده و به جنون کشیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نقد روان‌شناسی، فروید، مکانیسم‌های دفاعی، امیر تاج السّر، العطر الفرنسي.

۱- مقدمه

پیوند میان ادبیات و روان‌شناسی امری ثابت شده و غیرقابل انکار است؛ به این دلیل که تولید آثار ادبی با خصائص روحی و روانی نویسنده پیوندی تنگاتنگ دارد. «این پیوند همواره از کیفیت متقابل برخوردار است. روان انسان ادبیات را می‌سازد و ادبیات روان انسان را می‌پروراند. شاعر و ادیب از یک زاویه دید و روان‌شناس از زاویه دید دیگری به حیات انسانی می‌نگرند، اما وجهه نظر و توجه هر دو یکی است؛ یعنی هر دو حیات انسانی و مظاهر آن را مورد توجه قرار می‌دهند» (امامی، ۱۳۷۷: ۱۲۹). برخی نیز اعتقاد دارند که ادبیات زاینده روح آدمی و تعبیری از ضمیر ناخودآگاه وی است (قصاب، ۲۰۰۹: ۶۴). «روباک»^۱ عقیده دارد که روان‌شناسی و ادبیات هر دو به موضوع مشترکی می‌پردازند که همان افکار، عواطف و خیال است» (افخمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲). به اعتقاد فروید، «تعالی لیبیدوی ارضاننده عامل اصلی ایجاد تمامی هنرها و آثار ادبی است» (Storr, 1989: 92). همین پیوند سبب شد تا شاخه‌ای از نقد ادبی، به مباحث روان‌شناسی اختصاص یابد و برای درک بهتر ادبیات، از آرای اندیشمندان روان‌شناسی استفاده شود.

یکی از سرآمدان عرصه روان‌شناسی «زیگموند فروید»^۲ است که سهم بسزایی در رشد و شکوفایی علم روان‌شناسی داشته است. یکی از نظریه‌های فروید در باب شخصیت، نظریه «مکانیزم‌های دفاعی» است. او بیان می‌دارد که انسان از این مکانیزم‌ها استفاده کرده تا بتواند بر اضطراب خود فائق آید. در همین راستا، چندین مکانیزم دفاعی را فرض و اعلام کرد که انسان در اکثر اوقات برای مقابله با اضطراب از چند مکانیزم دفاعی به صورت همزمان استفاده می‌کند (زهران، ۱۹۷۸: ۴۱). این مکانیزم‌ها شامل «سرکوبی، انکار، واکنش وارونه، واپس‌روی، دلیل تراشی، توجیه عقلی، جابجایی، والایش یا تصعید، سرکوبی، همانندسازی، فراق‌کنی، درون‌فکنی، توجیه منطقی، عاطفه‌زدایی، تسلیم ایثارگونه، عمل‌زدایی، جداسازی، تثبیت، جبران، واکنش تبدیلی، خیال‌پردازی و گوشه‌گیری» است (حسانین، ۱۹۸۹: ۳۷-۴۲؛ الدستوقی، ۲۰۱۳: ۲۸). مکانیزم‌های دفاعی تماماً انکار یا تحریف واقعیت هستند، به صورت ناهشیار عمل می‌کنند و در سطح هشیار ذهن انسان وجود ندارند (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۶۶).

رمان «العطرالفرنسی» نوشته امیر تاج السّر نویسنده سودانی (۱۹۷۰- تاکنون)، نشان‌دهنده بُعدی از جامعه سودان و محله علی جرجار «حی الغائب» نمونه‌ای از جامعه سودان به حساب

نقد روان‌شناسی قهرمان رمان «العطر الفرنسي»...
بهنام فارسی، مریم صالح زاده، سلما قیومی
می‌آید و «نویسنده با انتخاب محله قصد داشته تا زوایای پنهان جامعه را به مخاطب خود نشان دهد» (ضمرة، ۲۰۱۵: ۱۲۳).

مکانیسم‌های دفاعی در شخصیت اصلی رمان، «علی جرجار»، نمود خاصی دارد تا جایی که می‌توان کارکرد برخی از این مکانیسم‌ها را به صورت خاص در متن رمان مشاهده کرد. نویسنده رمان با پردازش شخصیتی که با توسل به مکانیسم‌های دفاعی درصدد نجات روان خویشتن بوده، در پی آن است تا نکته مهمی را به مخاطب القا کند؛ از این‌رو لازم است تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. مهم‌ترین عامل مؤثر در استفاده قهرمان داستان از مکانیسم‌های دفاعی چیست؟
۲. نمود مکانیسم‌های دفاعی در رمان «العطر الفرنسي» به چه صورت است؟
۳. قهرمان داستان بیشتر از کدام مکانیسم دفاعی بهره گرفته و علت آن چیست؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

اغلب مقالات و پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره مکانیسم‌های دفاعی، در حوزه مطالعات تخصصی روان‌شناسی و ادبیات فارسی بوده و در ادبیات عربی فعالیت زیادی صورت پذیرفته است. با وجود این، به مواردی در حوزه زبان عربی برخورد می‌کنیم که از آن میان به سه پژوهش زیر اشاره می‌شود:

- ۱- مقاله «آليات الدفاع النفسية لدى طلبة جامعة الكوفة» (امیره جابر هاشم و باقر عبدالهادی عبدالرسول: ۲۰۱۸- مجله الجامعة العربية الأمريكية للبحوث، ج ۴، ش ۱: ۱۲۶-۱۵۳)، که در آن به این نتیجه رسیده شد که دانشجویان دانشگاه کوفه در بین مکانیسم‌های دفاعی بیشتر از مکانیسم‌های روان‌رنجور و بلوغ یافته استفاده می‌کنند و از مکانیسم‌های بلوغ نیافته استفاده کمتری دارند. ۲- در مقاله «آليات الدفاع النفسية لدى بشار بن برد»، نوشته توج سهرابی و همکاران (منتشر شده در سایت دیوان العرب: <https://www.diwanalarab.com>: ۲۰۱۵) نویسندگان با تقسیم مکانیسم‌های دفاعی به دو بخش مثبت و منفی به این نتیجه رسیدند که بشار به دلیل وضعیت جسمانی و موقعیت اجتماعی‌اش غالباً از مکانیسم‌های منفی استفاده کرده است. ۳- نویسندگان مقاله «میکانیزمات الدفاع المستخدمة لدى المتأخرين دراسياً من طلبة المرحلة الثانوية و علامتها بكفائيتهم الذاتية الأكاديمية» (صحب خالد التخينة و الآخرون: ۲۰۱۷)، پس از بررسی

مکانیسم‌های مورد استفاده دانش‌آموزان، به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان جا مانده از تحصیل، از دو مکانیسم «فراکنی و توجیه» بیش از سایر مکانیسم‌ها استفاده می‌کنند و میزان استفاده بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوتی ندارد.

درباره نویسنده و رمان مورد بحث:

۱- «حوار مع امیر تاج السّر» (سوزان ابراهیم: ۲۰۱۳ م- مجله الموقف الأدبی) ضمن مصاحبه با نویسنده درباره هریک از داستان‌های نوشته شده، بحث و تحلیل مختصری نیز درباره کیفیت آنها صورت پذیرفته است. ۲- مقاله «العطر الفرنسي رواية أمير تاج السّر» (یوسف ضمیر: ۲۰۱۵ م- مجله افکار)، در این مقاله پیرامون داستان، شخصیت علی جرجار و حواشی مربوط به آن مطالبی نوشته شده است.

حاصل جستجوها در پروژه‌های انجام شده در ایران، تنها یک پایان‌نامه با عنوان «بحران هویت در رمان‌های امیر تاج السّر در پرتو نقد پسااستعماری» (۱۳۹۸ ش) است «بشری جزایری- راد» در مقطع دکتری انجام داده و یک مقاله به زبان عربی با عنوان «فضام الهوية بين أنوثة قاهرة ورجولة مقهورة- قراءة ما بعد كولونیا لیه فی رواية «العطر الفرنسي» لأمیر تاج السّر» (بشری جزایری راد والآخرون- مجله دراسات فی اللغة العربية و آدابها: ۲۰۱۸ م) بوده است. نویسندگان در این مقاله با بررسی رمان از دیدگاه پسااستعماری به این نتیجه رسیدند که شخصیت‌های موجود در رمان، دچار بحران شخصیتی شده‌ند و عدم توانایی قهرمان داستان در به دست آوردن معشوقه غربی خیالی‌اش نشان‌دهنده عجز و ناتوانی شرق در رسیدن به دست‌آوردهای غربی است. غیر از این دو، پژوهش دیگری درباره نویسنده و رمان مورد نظر مشاهده نشد و موضوع پیش‌روی برای اولین بار مطرح و مصادیق آن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- خلاصه رمان

رمان «العطر الفرنسي» داستان فردی خیال‌پرداز به نام «علی جرجار» را روایت می‌کند. در یکی از روزها به او خبر می‌رسد که بانویی فرانسوی به نام «کاتیا» برای انجام تحقیقاتی بین‌المللی، به محله فقیرنشین آنها، «حی الغائب»، سفر کرده است. علی جرجار با پر و بال دادن به این خبر، آن را به سمع اهالی محل می‌رساند. او پس از شنیدن این خبر، شروع به رویاپردازی کرده، درباره این بانو تحقیقاتی را انجام می‌دهد و متوجه می‌شود که کاتیا یک پرستار است که در

کشورهای آفریقایی مشغول امدادسانی است و نزد مردم و مسئولان آنجا محبوبیت فراوانی دارد. جرجار بدون ملاقات با آن زن، شیفته‌اش شده و با عکس‌های وی، روزگار خویش را سپری می‌کند. اندک اندک او در خیال خود غرق می‌شود و تصور می‌کند که توانسته دل کاتیا را برآید و با او ازدواج کند، اما رفته رفته در خیال خود نسبت به رفتارهایی که مردم در این مورد داشتند، موضع‌گیری‌هایی گاه همراه با عصبانیت از خود بروز می‌دهد. وی تا جایی در این علاقه به افراط می‌رسد که تصور می‌کند تمام افراد محله نسبت به کاتیا چشم طمع دارند و کاتیا در حال خیانت به اوست. او به اهالی محله حمله کرده و افرادی را زخمی و حتی به قتل می‌رساند. در نهایت در خیال خود به کاتیا حمله می‌کند و او را در حالی که باردار است، می‌کشد. پس از این که کاتیا را به قتل رساند، پلیس دستگیرش می‌کند. در حال انتقال به زندان، می‌بیند که خودرویی دولتی در محله آنها ایستاده و بانویی غربی (کاتیا) از آن پیاده می‌شود.

۳- مباحث نظری

پیش از پرداختن به مبحث مکانیسم‌های دفاعی، ابتدا باید مشخص شود که چه چیزی سبب می‌شود فرد از مکانیسم‌های دفاعی استفاده کند. یکی از عارضه‌هایی که بر شخصیت وارد می‌شود، «اضطراب»^۳ است. اضطراب عبارت است از واکنش فرد در برابر خطری که در قالب یک انگیزه غریزی سرکش از درون شخص، وی را تهدید می‌نماید (کاپلان، سادوک، ۱۳۶۶: ۱۲). بنابراین فروید، اضطراب یک حالت عاطفی ناخوشایند، ترسی بی‌هدف و معمولاً مبهم است که در اثر تهدید «من»^۴ به وجود می‌آید. فروید اضطراب را جزء مهمی از شخصیت انسان می‌داند و به این موضوع اشاره دارد که اضطراب برای رشد رفتار روان‌رنجور و روان‌پریش، ضروری است (الرفاعی، ۲۰۰۳: ۲۴۰). «اضطراب عبارت است از نگرانی زیاد به سبب ترسی نامشخص و غیرمنطقی. عوامل ایجاد اضطراب غالباً یا یک تضاد درونی است یا باختن عشق و محبت» (یونگ، ۱۳۷۷: ۱۷۶). «می»^۵ اضطراب را این‌گونه تعریف می‌کند: «آگاه شدن فرد از اینکه وجودش در حال نابودی است» (فیست، ۱۳۸۷: ۵۰).

فروید اضطراب را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱- اضطراب واقعی^۱ (عینی) که شامل ترس از خطرهای ملموس است و در راستای خدمت به هدفی مثبت که محافظت از فرد است به کار برده می‌شود. چون منبع این اضطراب از محیط بیرون است، به راحتی برطرف می‌شود. ۲- اضطراب نوروپیک^۶ (روان‌رنجور) که شامل ترس و اضطراب دوران کودکی است و به سه

صورت مبهم، ترس شدید و نامعقول و واکنش‌های وحشت‌زدگی بروز می‌یابد. ۳- اضطراب اخلاقی^۸ که ناشی از تعارض بین خواست غریزی و اخلاقیات است. احساس گناه و شرم از این اضطراب سرچشمه می‌گیرد و هشدار می‌دهد است مبنی بر اینکه وضعیتی درونی شخص مناسب نیست و امیال ناخودآگاه در حال ظهور در خودآگاه هستند (خلعتبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵).

فروید میان اضطراب عینی که به صورت واقع‌بینانه در برابر یک خطر بیرونی و مترادف با ترس است و اضطراب روان‌رنجور، تفاوت قائل شده‌است. به نظر او اضطراب روان‌رنجور نتیجه تعارضی ناهشیار است که میان تکانه‌های «نهاد»^۹ و محرومیت‌های اعمال شده توسط «من» و «من برتر»^{۱۰} ایجاد می‌شود (ابراهیم، ۱۹۸۳: ۴۳).

راه‌های دفاع در مقابل این اضطراب‌ها عبارتند از: «فرار از موقعیت تهدیدآمیز، اطاعت از وجدان، جلوگیری از نیاز غریزی و استفاده از مکانیسم‌های دفاعی»^{۱۱} (خلعتبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵).

«اولین فردی که اصطلاح «مکانیسم‌های دفاعی» را به کار برد، «زیگموند فروید»، روان‌شناس برجسته، بود» (جلال، ۱۹۸۵: ۵۶) مکانیسم‌های دفاعی روش‌هایی است که افراد از آنها در جهت حفاظت از خود و از بین بردن درگیری و اضطراب‌ها بهره می‌برند (الجاسم، ۲۰۱۶: ۲). از دیدگاه فروید، مکانیسم‌های دفاعی، فعالیت‌های روانی و روش‌های بعضاً غیرعقلانی هستند که ego برای کاهش دادن و از بین بردن اضطراب از آنها استفاده می‌کند. از نظر او، تمام انسان‌ها از این مکانیسم‌های دفاعی استفاده می‌کنند؛ زیرا وجود آنها برای بی‌اهمیت جلوه‌دادن شکست‌ها و حمایت در برابر هیجان‌ات سودمند است و به همین جهت به آنها «واکنش‌های سازشی عادی» نیز گفته می‌شود (فروید، ۱۳۸۴: ۱۴). در این راستا، فروید چندین مکانیسم دفاعی را فرض و اعلام کرد که غلبه بر اضطراب، غالباً با استفاده از چندین مکانیسم دفاعی به صورت همزمان صورت می‌پذیرد و بین مکانیسم‌های دفاعی تعدادی هم‌پوشانی وجود دارد.

ویژگی مشترک تمام مکانیسم‌های دفاعی این است که آنها انکار یا تحریف واقعیت هستند و به صورت ناهشیار عمل می‌کنند؛ بدین معنی که در سطح هشیار، تصورات تحریف‌نشده یا غیرواقعی از خود و محیط اطراف دارد (خلعتبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶). از نظر فروید، اگر این دفاع‌ها به خوبی عمل می‌کنند، به این علت است که آنها مواد تهدیدکننده یا ناراحت‌کننده را

خارج از آگاهی هشیار انسان نگه می‌دارند؛ در نتیجه ممکن است فرد واقعیت‌ها را در مورد خود نداند و تصویر تحریف‌شده‌ای از نیازها، ترس‌ها و امیالش داشته‌باشد (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۶۹). مکانیسم‌های دفاعی از شدت هیجانات کاسته و اثرات منفی آن را از بین می‌برند و موقعیت را برای فرد ایجاد می‌کنند تا با عوامل نامساعد محیط و اطرافش توانایی تطابق بیشتری پیدا کند (فروید، ۱۳۸۴: ۱۷). «آستاد»^{۱۲} بر این باور است که مکانیسم‌های دفاعی می‌تواند ابتدایی یا پیچیده، شکننده یا مستحکم و انعطاف‌پذیر یا انعطاف‌ناپذیر باشد (آستاد، ۱۳۹۰: ۱۲۷). فروید عقیده داشت که وقتی دفاع‌ها شکسته می‌شود و انسان نیز قادر نیست که در مقابل اضطراب‌ها از خودش محافظت کند، موقعیتی پدید می‌آید که در آن، واقعیت درباره فرد آشکار شده و دچار اضطراب توان‌کاه می‌شود؛ احساس دل‌تنگی، افسردگی و بی‌ارزشی کرده که این حالت تا زمان برقراری دفاع مجدد یا جایگزینی دفاع جدید ادامه دارد (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۶۵). نمود مکانیسم‌های دفاعی در رمان مورد نظر به این شرح است:

۴- کارکرد مکانیسم‌های دفاعی در رمان العطر الفرنسي

۴-۱- سرکوبی^{۱۳}: سرکوبی، پس‌راندن یا واپس‌زنی، یکی از شایع‌ترین مکانیسم‌های روانی است و می‌توان آن را آغازکننده تمامی فعالیت‌های دفاعی روانی دانست (فروید، ۱۳۸۴: ۲۰). در این مکانیسم، «خاطرات استرس‌زا به صورت گزینشی از هشیاری خارج و به ناخودآگاه رانده می‌شوند» (محمدنیا، ۱۳۹۳: ۱۰۱). فروید، «مکانیسم سرکوبی» را سنگ بنایی می‌داند که شالوده روان‌کاوی بر آن استوار است (پروین، ۱۳۷۳: ۱۱۸ و هلر، ۱۳۸۹: ۳۳۲). افکار استرس‌زا در این مکانیسم قابل دستیابی است، ولی سایر افکار آن را بلوکه می‌کنند و فرد با فکر نکردن به افکار اضطراب‌آور سعی می‌کند تا اضطراب خود را از بین ببرد (عبدالقاهر طه و الآخرون، لاتا، ۳۷۴).

نمونه‌های استفاده از این مکانیسم در این جملات خودنمایی می‌کنند: «لکّتی لم أفعل... خوئی من المصیر دائماً ما یفرُّ بی بعیداً» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۲۲) در این جمله، قهرمان سعی دارد تا با استفاده از مکانیسم سرکوبی، میل خودش را برای رفتن به خانه «حلیمه کف‌بین» با بهانه ترس از دانستن آینده سرکوب کند. در جمله «لم أکن من هُوَاة تأملُ الصُّورِ التذکّاریة الّتی تُمثِّلنی فی مرحلة ما، من مراحل العمر...» (همان: ۳۳)، نیز او سعی دارد تا با سرکوبی، میل خودش را در به یادآوری خاطرات گذشته از بین ببرد. از نظر او در خاطرات گذشته چیزی نیست که وی بدان افتخار کند و کاتیا بانویی غربی است که مسلماً تمام پیشرفت‌ها را تجربه کرده و نباید با

آن تجربه‌های سطح پایین علی جرجار در یک طبقه‌بندی سجه در ذهن او و چه در آلبوم عکس‌هایش - قرار گیرد. او با پاره کردن عکس‌ها صورت مسأله وجود آن خاطرات را از بین برده تا بهانه‌ای برای به یادآوری‌شان نداشته‌باشد.

در اغلب نمونه‌ها، سرکوبی با مکانیسم «جابجایی»^{۱۴} همراه است. فرد برای ارضای امیال و انگیزه‌های سرکوب‌شده‌اش از این مکانیسم استفاده می‌کند (فروید، ۱۳۸۴: ۹۱) و در آن یک «برطرف‌کننده نیاز» با نوعی دیگر جایگزین شده و احساس روانی و حالت عاطفی از یک شخص یا یک شیء که مبدأ آن بوده، به شخص یا شیء دیگری که معمولاً خطر و تهدید کمتری نسبت به منبع اصلی آن دارد، منتقل می‌شود (فروید، ۱۳۸۳: ۶۰). از نظر فروید، «شخص در جابجایی هرگز از موضوع هدف اصلی خود صرف‌نظر نخواهد کرد» (فروید، ۱۳۸۴: ۹۴) و هنگام استفاده از این مکانیسم می‌کوشد اضطراب‌ها را از علت تولیدکننده آن جدا کرده و با موضوعی که در واقع هیچ ارتباطی با آن ندارد، مرتبط سازد (عریضه، ۱۹۹۶: ۲۰).

این مکانیسم در داستان بدین صورت نمود یافته‌است: «...أَدْخَلْتُ يَدِي فِي جَيْبِي، لَا لِأَعْطِيهَا الْمِفْتَاحَ الَّذِي بِيْتُهُ أُحِبُّهُ أَيْضًا وَلَا يُفَارِقُ جَيْبِي حَتَّى حِينَ أُسْتَقْلِي لِأَنَا مِ وَأَتَلَمَّسَهُ كُلَّمَا أَحْسَسْتُ بِالْعَطَشِ» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۸۵). علی جرجار سعی دارد تا به وسیله لمس کلید اتاقی که برای کاتیا اجاره کرده، از اضطرابش برای تأخیر کاتیا و ندیدن او بکاهد و خلأ احساسی خود را بهبود بخشد. او اتاق کاتیا را محل زندگی او می‌داند و حتی محل زندگی اجاره‌شده برای او، یادآور کاتیا است. علی جرجار می‌کوشد تا با توسل به همین یادآوری‌های به ظاهر کوچک، استرس ناشی از عدم حضور او را برای خود قابل تحمل کند؛ یعنی احساس روانی و عاطفی که در ذهن علی جرجار برای کاتیا وجود داشته، با عدم حضور او، به محل اقامت کاتیا و حتی کلید آنجا که جزئی از آن اتاق به حساب می‌آید، منتقل شده و جرجار سعی دارد تا فشار عصبی ناشی از نبود کاتیا را با حضور در این اتاق سرکوب کند.

۲-۴- جداسازی (تفکیک کردن)^{۱۵}: این مکانیسم سعی دارد تجربه‌ی را جدا و از افکار و سواس‌گونه برای جلوگیری از هرگونه عاطفه و تجربه‌ای که به دنبال آن است، استفاده کند (شیرافکن، ۱۳۹۱: ۶۱). افرادی که از این مکانیسم استفاده می‌کنند، معمولاً مکانیسم «خشتی‌سازی»^{۱۶} را نیز مورد استفاده خود قرار می‌دهند. مکانیسم خشتی‌سازی، برای فسخ یا خشتی‌سازی یک فکر پلید، وسوسه و یا عمل ناخوشایند به کار برده می‌شود و فرد برای از میان برداشتن اثر اشتباه

خود، اقدام به کار دیگری می‌کند (فروید، ۱۳۸۴: ۲۱۰). در این مکانیسم، «فرد به نحوی جادویی یک عمل یا آرزو را با عمل و آرزویی دیگر جابجا می‌کند به گونه‌ای که گویی هیچ‌کدام اتفاق نیفتاده، ولی در واقع هر دو رخ داده‌است» (پروین، ۱۳۷۳: ۱۱۷).

نمود بهره‌برداری همزمان از این دو مکانیسم در رمان به این صورت است که علی جرجار سعی دارد تا با حذف عکس «حوا» (خواننده مجالس)، خاطرات آن را هم از ذهن خود پاک کند؛ چون معتقد است حوا و خاطرات او، مربوط به دوران عقب‌ماندگی است و باید تصویرش با فردی جذاب‌تر (مسلماً کاتیا) که مربوط به دوران مدرن و از سرزمینی اروپایی است، جایگزین شود. «و حین وصلتُ إلى صورةٍ بجمعی مع مُغنیة الأفرح الشهيرة حواء... لم أبتهج. مَرَّقْتُ الصورةَ وألقیتها على الأرض... لیظلَّ مكانها خالیاً فی ألبوم الصور، ربَّما لتشغله فیما بعد صورةٌ أشدُّ جاذبیه» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۳۴-۳۳). در حقیقت علی جرجار برای ساختن خاطرات جدید و پروراندن خیالی نو در ذهنش، نیاز به خانه‌تکانی فکری دارد. شاید در دوره‌های گذشته این که او با آن خواننده مجالس عکس بگیرد و آن را در صندوقچه خاطراتش داشته‌باشد، آرزویی خوشایند بوده، ولی با آمدن کاتیا از کشوری متمدن و پیشرفته، آن آرزو رنگ باخته و به رسیدن و ملاقات با کاتیا تبدیل شده‌است. به همین دلیل، آرزوی داشتن عکس با آن خواننده را با پاره‌کردن آن عکس از بین برده و آرزوی رسیدن به کاتیا را در ذهن خود می‌پروراند تا به جای آن عکس، عکس کاتیا را در آلبوم خاطرات خود داشته‌باشد.

۳-۴- همانندسازی (برابرسازی)^{۱۷}: مکانیسمی که با نتیجه‌ای ثابت همراه است. این مکانیسم را می‌توان به وابستگی ناخودآگاه به شخصی دیگر یا یکی دانستن خود با خصوصیات فردی دیگر، تعریف کرد (فروید، ۱۳۸۴: ۶۸). فرد در این مکانیسم به صورت ناخودآگاه با تقلید افکار، اخلاقیات، رفتار، سلیق فرد و الگو قراردادن شخصیت‌های برجسته و نامدار، احساس ارزشمندی کرده، هویت واقعی خود را از دست داده، هویت فردی را به خود می‌گیرد که با روابط انفعالی و قوی با او مرتبط است و از فرد در برابر شکست محافظت می‌کند (محمدنیا، ۱۳۹۳: ۱۰۵ و الجاسم، ۲۰۱۶: ۳). فروید این اصطلاح را به معنی فرآیندی که در آن «من» تلاش می‌کند تا اشیا یا رویدادهای درون محیط را با خواسته‌ها و آرزوهای «نهاد» مطابقت دهد، به کار برد. بالاترین مرحله همانندسازی این است که فرد خود را در دیگری فراموش کند و از

حیث تمام وجوه شخصیتی، خود را به طور کلی با فرد مورد نظر یکسان بداند (سیاسی، ۱۳۶۷: ۳۹).

در رمان، جرجار با اطلاع از آمدن کاتیا و فهمیدن علایق او، سعی دارد که علایق خود را طبق علایق کاتیا تغییر دهد. آغازگر این مکانیسم، واکنش وی به صدای ناخوشایند در خانه است؛ همان صدایی که به نوعی فرهنگ مثبت آن محله است: «فأحدث ذلك الصرير المزعج الذي كان جزءاً من ثقافة ابواب البيوت في الحي... لا باب يُفتحُ بلا صريرٍ والبابُ الذي يُفتحُ هادئاً لا يحرثه أحدٌ» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۱۲)، اما «علی جرجار» وقتی از آمدن مهمان فرانسوی مطلع شد، صدای در، برایش آزاردهنده شد: «فتحتُ بابَ بيتي، فأزعجني صريره لأوّل مرة أحسستُ به عائفاً مُحمّلاً زماً يتأمر ليفسد حضارةً أريد أن أخصّرها...» (همان: ۳۲)؛ به همین سبب سعی کرد ابتدا صدای در را از خانه خود حذف کند و این موضوع را به تک تک خانه‌های محله سرایت دهد تا کاتیا آنجا را برای زندگی بپسندد و در آن محله ماندگار شود؛ یعنی هویت قبلی محله را فدای فرهنگ و هویتی می‌کند که در مسیر رسیدن به آنجاست.. جرجار پس از مشاهده عکس‌های کاتیا، متوجه شد که او به رنگ آبی علاقه دارد، لباس‌هایی به این رنگ تهیه کرد و رنگ در و دیوار خانه‌اش را به رنگ آبی تغییر داد؛ یعنی علی جرجار سعی دارد خود و وجوه شخصیتی‌اش را با خواسته‌ها و علایق کاتیا تطبیق دهد تا با وی هم‌تراز شود: «...ولاحظتُ أنّها ترتدي في كلّ الصُّور ثوباً أزرق...»، «أعود إلى الإغريقي كوستا في السوق الكبير، أفأوضه بمشقةٍ استبدل قمصاني وبناطيلي التي أشتريها منه، بأخرى كلُّها زرقاء»، «والتفتُ إلى بيتي أنقب عن الأرزق بداخله...» (همان: ۷۴ و ۷۳). در مثالی دیگر، او در مسیر همانندسازی از مکانیسم «دلیل‌تراشی»^{۱۸} نیز استفاده می‌کند؛ این مکانیسم عادی‌ترین وسیله دفاعی به شمار می‌رود و صرفاً به معنی توجیه یا سفسطه‌کردن است و تعبیری خود-فریبانه و خودبزرگ‌کننده برای موجه جلوه‌دادن فکر یا عملی تهدیدکننده به شمار می‌رود. «این مکانیسم در موارد زیر به کار برده می‌شود: ۱- زمانی که فرد برای منطقی جلوه‌دادن رفتار خود، به تکاپو پرداخته. ۲- زمانی که توانایی درک اتفاقات ناموافق و دلایل مخالف را از دست داده ۳- زمانی که مجبور به توجیه رفتار خود است و گرفتار اضطراب می‌شود» (فروید، ۱۳۸۴: ۸۲). اشخاص مضطرب در مقابل وجدان خود و دیگران و برای خاموش کردن تمایلات سرکوب شده و کمبودهای رنج‌آور خویش از این مکانیسم استفاده می‌کنند (همان: ۷۸). در

دلیل تراشی، تغییر رفتار به گونه‌ای شکل می‌گیرد که به نظر منطقی و قایل قبول برسد (دهقان، قاسمی، ۱۳۹۱: ۵۲ و مکی، ۱۳۹۴: ۳۰).

در این نمونه: «... بهذه الموسيقى أكسب نقطة إيجابية وباللون الأزرق نقاطاً أكثر، ورتما حين أقرب أكثر، تذوب كل العوائق» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۷۶)، علی جرجار قصد دارد تا با شنیدن موسیقی فرانسوی در مسیر «هماندسازی» گام بردارد، ولی به صورت همزمان از مکانیسم «دلیل تراشی» نیز استفاده کرده‌است؛ زیرا او قبلاً به هیچ وجه با این زبان و فرهنگ آشنایی نداشته و تغییر ناگهانی رفتارش سبب شده تا برای آن دلیل منطقی بترشد و آن را در نظر خودش مثبت جلوه دهد.

۴-۴-جبران^{۱۹}: وسیله‌ای است که روان شخص از آن برای پوشش‌گذاشتن و رویارویی با کمبودها و مشکلاتش به کار می‌گیرد (فروید، ۱۳۸۴: ۳۳ و ۳۴) و حس خودکم‌بینی و حقارت و شکست‌هایش را با مطرح‌ساختن خود در زمینه‌های دیگر جبران کرده تا به موقعیتی که برای خود متصور شده‌است ارتقا پیدا کند (محمدنیا، ۱۳۹۳: ۱۰۵). این مکانیسم دو نوع است؛ ۱- تقویت ویژگی منفی و ۲- جایگزین کردن یک ویژگی مثبت و کارآمد با یک ویژگی منفی (الجاسم، ۲۰۱۶: ۳).

در رمان، این مکانیسم به این صورت بیان می‌شود: «... ما نزال مقتنعاً بأنّه صاحب جاذبية لا تُقاومُ ويمكن أن يكون العريس المناسب حتى لرقية الطالبة في الصف الثالث الابتدائي... وبنات صفها كلهن» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۱۱) علی جرجار به دلیل تنهایی، سن بالا و فقرش، احساس سرخوردگی دارد، ولی با بیان این موضوع که محبوب دختران همه نسل‌ها است، بر این خصلت منفی و سرخوردگی‌اش سرپوش گذاشته و آن را مخفی می‌کند. در این مثال، علی جرجار از نوع دوم این مکانیسم بهره برده‌است تا خلاً روانی خویش را پر کند.

۵-۴- جداسازی (عاطفه‌زدایی، توجیه‌عقلی)^{۲۰}: عمل جداسازی احساس یا هیجان یک هنجار از موقعیتی ناخوشایند یا آسیب‌زا به صورت غیرمستقیم از طریق تفکر انتزاعی را توجیه عقلی می‌نامند (شیرافکن، ۱۳۹۱: ۶۹ و محمدنیا، ۱۳۹۳: ۱۰۵). در این مکانیسم، از ورود افکار ناراحت‌کننده به ضمیر هشیار جلوگیری نمی‌شود و صرفاً

احساس و هیجان منفی همراه آن گرفته می‌شود؛ تحلیل عقلی و منطقی موجود در آن، باعث شده تا ایده‌ای که احتمالاً رنج و استرس به همراه دارد، محتوای عاطفی/هیجانی خود را از دست بدهد (راجح، ۱۹۶۸: ۴۷۶). «استفاده از این مکانیسم به فرد اجازه می‌دهد تا به موضوعاتی مثل مرگ، طلاق، بیماری‌های شدید و... فکر کند بدون آنکه تحت تأثیر احساسات منفی آنها قرار گیرد» (گنجی و گنجی، ۱۳۹۳: ۹۷ و ۹۶).

در این مثال «...حتى الجروح القديمة التي كانت تنتشر على جسدي من أيام عملي في صيانة القاطرات.. كنت أعرفها، احتفظ في ذاكرتي بأسبابها وتواريخ ميلادها ووفاتها حين تحولت إلى خدوش يابسة.. هكذا قِيمت نفسي، أعطيتها عدة نقاط إيجابية» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۲۰)، علی جرجار از خاطرات بد زندگی‌اش یاد می‌کند بدون آنکه تحت - تأثیر این افکار و خاطرات بد قرار گیرد و این خاطرات، محتوای عاطفی منفی خود را از دست داده است. این موضوع تا جایی ادامه دارد که «علی جرجار» بدان خاطرات و آسیب‌ها افتخار کرده و آن را نقطه‌ای مثبت در شخصیتش به شمار می‌آورد.

۶-۴-خیال‌بافی^{۲۱}: می‌توان گفت انسان‌های حساس و عاطفی در اثر مواجهه شدن با مشکلات و معضلات زندگی، از حقایق تلخ زندگی به سرعت عقب‌نشینی می‌کنند و به استفاده از این مکانیسم پناه می‌برند (فروید، ۱۳۸۴: ۱۱۹). در خیال‌پردازی، فرد سعی می‌کند نیازهای برآورده نشده «من» را از طریق تخیل ارضا کند (شیرافکن، ۱۳۹۱: ۷۰). «نوع شدید خیال‌بافی، استفاده از مکانیسم «خیال‌بافی در خود مانده»^{۲۲} است که فرد کاملاً یک زندگی خیالی را برای خود پدید می‌آورد» (محمدنیا، ۱۳۹۳: ۱۰۸). این مکانیسم بیشتر در کودکان ملاحظه می‌شود، ولی در بزرگسالان نیز این خیال‌بافی وجود دارد (فروید، ۱۹۷۸: ۹۵-۹۷).

این مکانیسم مهم‌ترین مکانیسمی است که جرجار استفاده می‌کند. در ابتدای رمان، علی جرجار به موضوع خیال‌پردازی خود واقف است و به آن اذعان دارد: «قلت لهم: أنا علی جرجار صاحبُ صيحة التخیل الشهيرة التي يعرفها أيُّ شخص» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۹۲). در ادامه، پس از شنیدن خبر آمدن کاتیا به محله، سعی دارد تا با خیال‌پردازی، کاتیا را تصور کند و خبر آمدنش را به اهالی محله برساند: «جعل كاتيا كادويلي

الفرنسية فتاة في العشرين... وضع حول عنقها عقداً من الماس، في شقوق أذنيها أقرطاً مُذهبةً ثم خلع زينتها خوفاً من اللصوص...» (همان: ۱۰). او که از آمدن کاتیا و ازدواج با او تا حدودی ناامید شده: «شهران کثبان مَرّا و لم يظهر أيُّ خيط جديدٍ يصلح لتتبعه في موضوع أرقني و أرقّ سكان الحي كلهم.» (همان: ۸۲)؛ از طریق خیال‌پردازی با او ازدواج می‌کند: «هذه صورة عرس... هذه هي... فقط تحتاج إلى طرحة بيضاء و مراسم خاصة سأقوم بإعدادها ثم أفرح» و «أنا أرتب بيتي للحدث الكبير»، «قلت مبروك لنا يا كاتيا و قالت مبروك يا علي» (همان: ۹۶، ۹۷ و ۱۰۵). با استناد به این شواهد می‌توان به این نتیجه رسید که جرجار در تلاش است تا اضطراب نیامدن کاتیا را به وسیله خیال‌پردازی و ازدواج با او انکار کند.

علی جرجار به حدی در این خیال‌پردازی افراط می‌کند که دیگر نمی‌تواند در برابر اضطراب‌ها مقاومت کند، از نظر شخصیتی و روانی دچار فروپاشی شده، از مکانیسم‌های ناپخته و ناکارآمد استفاده می‌کند و به صورت فردی به اختلال اسکیزوفرنی پارانوئیدی مبتلا شده است. «در افرادی که به این اختلال دچار هستند، علاوه بر علائم معمولی، یک رشته تخیلات خاص هم قابل ملاحظه است که در بسیاری از آنها، آسیب و زیان نیز وجود دارد. بیمار تصور دارد که گروهی در حال تعقیب او هستند، او را رنج می‌دهند و حتی قصد جان او را نیز دارند» (عظیمی، ۱۳۵۳: ۲۷۱). یکی از عوارض ثانویه ابتلا به اختلال اسکیزوفرنی این است که ذهن بیمار، آکنده از سلسله تصورات حسّی می‌شود که محرکی واقعی به همراه ندارد (همان: ۲۶۷)؛ مثلاً بیمار اصواتی می‌شنود که او را وادار به انجام کارهای زشت و قبیح می‌کند یا به او ناسزا می‌گوید؛ در این جمله «... ومرت حافلة فيها الركاب يتصايحون ويصقرون ويقذفونني بقشر المانجو والبرتقال...» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۱۳۹)، علی جرجار به نوعی دچار این اختلال شده و تصور می‌کند که مردم او را زیر نظر داشته، به او ناسزا می‌گویند و مورد سخره خودشان قرار می‌دهند و بدبینی‌اش به آنها شدت می‌گیرد.

همین مثال نشان‌دهنده بُعد پارانوئیدی شخصیت او نیز است؛ فردی که دچار این اختلال باشد، دچار هذیان‌های نیرومند رو به افزایش می‌شود. نتیجه اوج گرفتن عنصر هذیان و حسادت در این‌گونه بیماران، ظهور عنصر آسیب‌رسانی و گزند است (سعد،

۲۰۰۷: ۲۴۲ و عکاشه، ۱۹۹۹: ۵۴). شخص گرفتار به اختلال پارانوئیدی به سوءظن‌هایی به عشق و حیثیت خود دچار می‌شود و با واکنش‌هایی سریع با آنها مقابله می‌کند که برای دیگران قابل توجه نیست (کریمی، ۱۳۸۹: ۲۴۶). یکی دیگر از مشخصه‌های این اختلال شخصیتی، دل‌مشغولی و شک غیرموجه درباره وفاداری یا قابل اعتماد بودن دوستان یا همسر و شریک زندگی است (معروف و خزلی، ۱۳۹۳: ۲۲۹). به عنوان مثال، علی جرجار تصور می‌کند مردم محله و کاتیا در حال خیانت به او هستند: «بل وأكثر من ذلك، وجدت ذاكرتي تتضح، تستعيد مواقف كثيرة حدثت في الحي أو وسط المدينة كان فيها تحرش واضح لم أنتبه إليه في ذلك الوقت وأنتبه الآن فقط. بدأت أستعرض تلك المواقف موقفاً موقفاً، وأنا أتشظي بلهب جامع حرق حتى أمعائي، وحاسة الشم والتذوق...» (تاج‌السر، ۲۰۰۹: ۱۳۶)، در نهایت به مردم محله حمله کرده و برخی را به قتل رسانده و برخی را زخمی می‌کند: «...أزحته جانبا بلا رحمة وأخرجت سكينى ورأيت زعباً في عيني البقال، لم أرد أبداً في عيني أحدٍ من قبل، لوحت بالسكين في وجهه، فتفادها وهويت على رأسه بالعصا ليخرج الوجع والدم... عثرت على المشرّد كنكل ساكن الشوارع رابضاً في إحدى الحفر يبعث بماتفه الحمول أنتزعته من الحفرة، جرحته في ساقه بالسكين وحطمت هاتفه...» (همان: ۱۳۸ و ۱۳۹). جرجار در نهایت دیوانه شده و کاتیا را (در دنیای تخیلی خود) به قتل می‌رساند: «كانت الكاتيا مهدمة و قد تلاشت فتنها تماماً، وبدأ وجهها نظيفاً من أي علامات إغراء لم تقاوم حين أمسكتها من كتفها وحين ألتقيت بجسدها على الأرض وحين غرست سكينتي في موضع طري، لم يكن إلا أحشاءها» (همان: ۱۴۰).

بشر در دنیای خیالی خود به دنبال آن قدرت و توانایی است که در زندگی واقعی نمی‌تواند به آن دست یابد. این تخیلات همیشه از خواسته‌ها و تمایلات انسانی نشأت می‌گیرند که گاه به صورت افسانه‌هایی دل‌پذیر درمی‌آیند. گاه این جبران‌های تخیلی ممکن است به «جنون خیال‌پردازی»^{۲۳} منجر شود (فروید، ۱۳۸۴: ۵۶ و ۵۷) در حقیقت، قهرمان داستان نیز مرزی برای واقعیت و عالم خیال قائل نمی‌شود که نتیجه‌ای جز جنون برایش در بر ندارد.

نقد روان‌شناسی قهرمان رمان «العطر الفرنسي»... بهنام فارسی، مریم صالح زاده، سلما قیومی

می‌توان به این نتیجه رسید که «علی جرجار» غالباً از مکانیسم‌های مضر (بلوغ‌نیافته، ناپخته و روان‌رنجور) استفاده کرده‌است. در یک تقسیم‌بندی کلی، مکانیسم‌های دفاعی بر اساس مفید یا مضر بودن، به صورت زیر معرفی می‌شود، میزان بهره‌برداری از هر دسته از مکانیسم‌ها را در رمان بدین شرح است:

نوع مکانیسم	ویژگی	حالت پیش‌آمده در فرد	مکانیسم‌های این دسته	درصد بهره‌برداری از این دسته در رمان
آسیب‌زا (مضر)	ناممکن ساختن درک واقعیت - جنون آمیز و نابخردانه	واقعیت را بازآفرینی و بازآرایی می‌کند	فرافکنی هذیانی (پارانوئیدی)	۲۳.۵۲٪
بلوغ‌نیافته و ناپخته (مضر)	در کودکان و بزرگسالان کاربرد دارد ولی بزرگسالان از آن استفاده زیادی نمی‌کنند	منجر به رفتارهای ناپسند و غیرقابل پذیرش اجتماعی می‌شود.	خیال‌پردازی، همانند سازی	۳۵.۲۹٪
روان‌رنجور (مضر)	مفید در کوتاه مدت	در بلند مدت منجر به مشکلاتی در روابط شغلی و کامیابی از زندگی می‌گردد	سرکوبی (واپس‌زنی)، توجیه عقلی، جابجایی	۲۹.۴۱٪
بلوغ یافته	از بزرگسالان سر	در سلامت روان انسان	جبران	۱۱.۷۶٪

جمع: ۱۰۰٪		نقش تعیین کننده دارد	می زند	(مفید)
-----------	--	----------------------	--------	--------

(محمدنیا، ۱۳۹۳، ۱۰۰-۱۰۱)

با توجه به این جدول، علی جرجار با استفاده از مکانیسم‌های دفاعی برای غلبه بر اضطراب و ترس خود، نتوانسته آنها را از بین ببرد؛ در نتیجه شخصیتش دچار فروپاشی شده و تنها تکیه‌گاه او، استفاده از مکانیسم‌های ناپخته، آسیب‌زا و بلوغ نیافته شد. نویسنده با گزینش چنین شخصیتی قصد دارد جامعه‌ای را به مخاطبان معرفی کند که به دلیل موانع پیش‌رو، به اهداف و آمال خود نرسیده، مجبورند به عالم خیال پناه برند و آنقدر در این خیالات غرق شوند که ارتباط خویش با واقعیت را از دست دهند؛ به گونه‌ای که دنیای تخیلی را به جای دنیای واقعی باور داشته و برای باورپذیرتر بودن این دنیای خیالی، دست به اقداماتی می‌زنند که تأکیدی بر بُعد بلوغ نیافته و روان‌رنجور آنان است.

موانع پیش‌روی آنان عبارتند از: ۱- مشکلات اقتصادی: فقر و تنگدستی قهرمان ناشی از این مشکل است. او حتی برای تأمین نیازهای زندگی‌اش ناچار است مایحتاج خود را به صورت نسیه خریداری کند «... وفي إحدى السنوات حين وصلت ديوني عنده مبلغاً أحس به قد يجرح طبيئته وصبره ويضطره إلى إغلاق دفاتره في وجهي» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۴۰). ۲- مشکلات فرهنگی: در این جمله «هذه أيضاً ثقافة نعتز بها، أن تملك هاتفاً محمولاً ربما تستدين سعرة، تنتقيه من ماركة شهيرة كـ «نوكيا» أو سامسونغ تطوف به مباحياً.. ودائماً بلا رصيد...» (همان: ۳۳) این موضوع وجود دارد که آنها در فقر شدید هستند، اما تلفن‌های همراه گران‌قیمتی خریداری می‌کنند که اعتباری ندارد و از آن برای تماس با دیگران استفاده نمی‌کنند. ۳- فقر فرهنگی: در جمله «أبمن الحضاري عرف سكة التكنولوجيا والإنترنت ومواقع الدردشة واكتسب ثقافة كبيرة كان يُهزُّ بها أهل الحي في كل مناسبة، وعن طريقه عرفنا كلنا ماذا تعني كلمات مثل ياهو وجوجل والمسنجر، وماذا يمكن أن يضمّ موقعاً مثل يوتيوب أو الإخوة أونلاين» (همان: ۳۰ و ۳۱)،

این موضوع وجود دارد، در محله کافی نت وجود دارد، ولی تنها یک پسر جوان هست که از این موضوعات اطلاع دارد و آنها را به مردم معرفی می‌کند و تعجب و حیرت سایر اهالی محله را برمی‌انگیزد. ۴- مشکلات اجتماعی: افراد محله از خرافات تبعیت می‌کنند و جن و جن و موضوعات خرافی دیگری همچون کف‌بینی و رمالی برایشان جایگاهی ویژه دارد: «وجدت وجهي ملتصقاً بباب أعرفه جيداً، باب حليمة قارئة المصائر، تلك التي اختارها حكيم النبوي ضلعاً في لجنة السادسة.» (همان: ۲۲). در این مثال، رمالان در تصمیم‌گیری‌های مهم شرکت داده می‌شوند. ۵- از خودبیگانگی فرهنگی-اجتماعی: در جمله «...يعود حاملاً لوحاً مستطياً من الخشب مغطى بقماش أبيض و حين أزاح القماش أمامي... ووجدت لوحة من تلك التي تُعلق على واجهات المحلات مكتوباً عليها بخط عريض و باللغتين العربية و الإنجليزية: بقالة كاتيا...» (همان: ۴۱) به چشم می‌خورد. آنها پس از شنیدن خبر آمدن کاتیا به فکر تعویض نام مغازه-هایشان افتاده، نام کاتیا را بر سردر مغازه‌ها حک می‌کنند و تابلوهایی به زبان عربی و لاتین نصب می‌کنند. این مطلب نشان‌دهنده عدم - استقلال فرهنگی لازم در بین آنها است.

-نتیجه:

۱- مکانیسم‌های دفاعی در واکنش به پدیدآمدن اضطراب و تنش برای تخفیف آن بروز و ظهور می‌یابد. در رمان، بر اساس تعریف‌های ارائه شده درباره انواع اضطراب‌ها و تنش‌ها، آنچه علی جرجار را بر آن داشته تا از مکانیسم‌های دفاعی بهره برده و سودای غلبه بر آن را در ذهن بپروراند، «اضطراب نورتیک» بوده؛ زیرا خبر آمدن «کاتیا» که عامل ایجاد تنش به شمار می‌رود، امری مبهم و نامشخص است و قهرمان داستان سعی دارد تا بدترین سناریوها را در ذهن خود بسط دهد و به این فکر کند که چطور به رویدادهای احتمالی و بعید، بپردازد؛ در نتیجه، بیشتر استرس او از فکرکردن درباره موقعیت‌هایی است که رخ نخواهند داد.

۲- در رمان «العطر الفرنسي» قهرمان داستان (علی جرجار) که غرایزی سرکوب شده را در ناخودآگاه خویش دارد، پس از شنیدن خبر آمدن «کاتیا»ی فرانسوی، دچار اضطراب و تنش شده و با توسل به مکانیسم‌های سرکوبی، جابجایی، جداسازی، خنثی‌سازی، عمل‌زدایی، همانندسازی، جبران و خیال‌پردازی-خواه به صورت انفرادی و خواه به صورت بهره‌برداری از دو مکانیسم در آن واحد- اضطراب و تنش خود را تا حد امکان برطرف می‌کند. البته زیاده‌روی در استفاده از مکانیسم‌های دفاعی مضر، سبب شد تا فرد از قبول واقعیت طفره رفته و آن را نپذیرد.

۳- علی جرجار (نماینده طبقات محروم و درخودمانده جامعه سودان) از مکانیسم «خیال‌پردازی» بیش از مکانیسم‌های دفاعی دیگر بهره برده، و به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دوربودن از قطار پیشرفت و تمدن و بی‌توجهی حکومت به این قشر، توان دستیابی به اهداف و آمال خود را ندارد؛ در نتیجه دنیایی خیالی برای خود می‌سازد و در این دنیای ساختگی، به حلی غرق می‌شود که ارتباط با واقعیت را از دست می‌دهد. او چنان در استفاده از این مکانیسم زیاده‌روی می‌کند که حاصلی جز عدم تمایز میان واقعیت و دنیای خیالی به دنبال ندارد و بعد پارانوئیدی و اسکیزوفرنی شخصیت او پدیدار می‌شود. تمامی مکانیسم‌هایی که قهرمان این داستان استفاده کرده در راستای تقویت این ایده وی است که دنیای خیالی و فرضی او، نمودی واقعی پیدا کند. این پناه‌بردن به دنیای خیالی حاکی از بُعد ناپخته و بلوغ‌نیافته شخصیت فرد است؛ او در کودکی خود مانده و تلاشش برای نشان‌دادن پختگی و سلامت عقلی‌اش، نتیجه عکس داده و سیر قهقراپی را برایش به همراه دارد و شخصیتش دیگر در برابر اضطراب‌ها و تنش‌ها تاب مقاومت نداشته و دچار فروپاشی می‌شود. او که در دنیای خیالی خود برای ماندن در صحنه حضور تلاش می‌کند، دچار توهم شده، بدبینی در وی رشد یافته، تصورات واهی عنان اختیار از وی ربوده و دست به اقداماتی غیر انسانی می‌زند و به آوردگاه جنون فراخوانده می‌شود. این همان جنون خیال‌پردازی است که به آدمی کمک می‌کند تا در آن به چیزهایی دست یابد که در عالم واقع از آن محروم است. می‌توان گفت، «من» به عنوان مهم‌ترین بخش از ساختار

شخصیت، در قهرمان رمان، دیگر نماینده عقل و خرد نیست و نمی‌تواند تنش را کاهش دهد و به حلّ تعارض‌های ارگانیزم شخصیت و واقعیت موجود در محیط خارج بپردازد؛ در نتیجه، شخصیتش دچار فروپاشی می‌شود.

-پی‌نوشت‌ها:

1-Robak

S. frued-2

Anxiety-3

۴-من (ego): دومین ساختار شخصیت که ارباب منطقی آن هم هست. هدفش جلوگیری از تکانه‌های نهاد نیست؛ بلکه کمک به آن برای به دست آوردن کاهش تنشی است که خواستار آن است. چون «من» از واقعیت آگاه است، تصمیم می‌گیرد که چه وقت و چگونه غرایز «نهاد» می‌توانند بهتر ارضا شوند (سمبرنوف، ۱۹۸۲: ۷۹). «من» نیروی خردورزی است که به دنبال تعدیل غرایز یا لیبدو است (صغیر، ۱۳۹۵: ۱۱۵). کار «من» این است که نحست میان وجوه ذهنی چیزی، و وجوه خارجی آن فرق بگذارد و مشخص کند که آیا آنچه که به تصور آمده وجود خارجی هم دارد یا خیر و آیا قابلیت رسیدن به آن هم وجود دارد و اقدام بی‌درنگ برای رسیدن به آن جایز است یا تأخیر در آن بهتر است (سیاسی، ۱۳۷۹: ۷).

May-5

Reality Anxiety-6

Neurotic Anxiety-7

Moral Anxiety-8

۹-نهاد (Id): این بخش از شخصیت را می‌توان تمام نیروی روانی دانست. این بخش شامل تمام انگیزه‌های خام و تشکیل نیافته حیوانی مثل غریزه جنسی، پرخاشگری و... است که تابع هیچ قانونی نیستند و از هیچ اصلی به جز اصل لذت تبعیت نمی‌کنند. این بخش با مصرف کردن انرژی حیاتی از تنیدگی‌ها و ناراحتی‌ها می‌کاهد و باعث برقراری تعادل حیاتی می‌شود (صغیر، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

۱۰-فرامن (superego): منبعی اصلی و اساسی است که می‌تواند احساس گناه، پاداش، تنبیه و غرور را ایجاد کند. «بایدها و نبایدها، اجبارها و الزام‌ها» تماماً از گنجینه

لغات «فرامن» هستند. به عبارتی دیگر فرامن حربه اخلاقی شخصیت است که در مقابل نهاد قرار دارد و با «عقل عملی» تفاوتی ندارد (زارع، ۱۳۹۰: ۳۹).

۱- Defense Mechanisms

۱۲- Austad

۱۳- Suppression, Repression

۱۴- Displacement

۱۵- Isolation

۱۶- Undoing

۱۷- Identification

۱۸- Rationalization

۱۹- Compensation

۲۰- Intellectualization

۲۱- Fantasy

۲۲- Autistic Fantasy

۲۳- Mythomanie

- کتابنامه

- کتاب های عربی:

- ابراهیم، عبدالستار (۱۹۸۳)، *العلاج النفسي الحديث قوة للإنسان*، ط ۲، القاهرة: مكتبة مدبولي
- تاج السر، امیر (۲۰۰۹م)، *العطر الفرنسي*، ط ۱، بیروت، لبنان: الدار العربية للعلوم ناشرون.
- جلال، سعد (۱۹۸۵م)، *المرجع في علم النفس*، القاهرة: مكتبة المعارف الحديثة.
- الدستوقي، مجدی (۲۰۱۳م)، *قائمة الميكانيزمات أو آليات الدفاع*، القاهرة: مكتبة الأنجلو المصرية للنشر و التوزيع
- الرفاعي، نعيم (۲۰۰۳م)، *الصحة النفسية دراسة في سيكولوجيا التكيف*، ط ۱۴، دمشق: جامعة دمشق
- زهران، حامد (۱۹۷۸م)، *الصحة النفسية و العلاج النفسي*، ط ۳، القاهرة: عالم الكتب.
- سعد، علی (۲۰۰۷م)، *علم الشذوذ النفسي*، دمشق: منشورات جامعة دمشق.
- سمیرنوف، فیکتور (۱۹۸۲م)، *التحليل النفسي للولد*، ترجمة فواد شاهيق، ط ۲، بیروت: المؤسسة الجامعة للدراسات و النشر و التوزيع.

نقد روان‌شناسی قهرمان رمان «العطر الفرنسي»... بهنام فارسی، مریم صالح زاده، سلما قیومی

عبدالقادر، طه و الآخرون [د.ت.]، معجم علم النفس و التحليل النفسي، بيروت: دار النهضة العربية للطباعة و النشر.

عریضة، محمد محمد (۱۹۹۶م)، علم النفس بين الشخصية و الفكر، بيروت: دار الكتب العلمية.

عزت، راجح (۱۹۶۸م)، اصول علم النفس، ط ۴، القاهرة: دار الكتاب العربي للطباعة و النشر.

عكاشة، احمد و الآخرون (۱۹۹۹م)، اضطرابات النفسية في المرشد في الطب النفسي، منظمة الصحة العالمية: المكت الإقليمية للشرق الأوسط

فروید، سیجموند (۱۹۷۸)، الأحلام، عرض و تقديم: مصطفى غالب، بيروت: منشورات مكتبة الهلال

قصاب، وليد ابراهيم (۲۰۰۹م)، مناهج النقد الأدبي الحديث، روية اسلامية، ط ۲، دمشق: دارالفكر.

– کتاب‌های فارسی

آستاذ، کارول شاو (۱۳۹۰ش)، نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: ویرایش.

امامی، نصرالله (۱۳۷۷ش)، مبانی و روش‌های نقد ادبی، تهران: جامی

پروین، لارنس ا (۱۳۷۳ش)، روان‌شناسی شخصیت، نظریه و تحقیق، مترجم محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، ج ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

تاج‌السر، امیر (۱۳۹۶ش)، عطر فرانسوی، ترجمه محمد حزایبی‌زاده، تهران: انتشارات هیرمند. خلعتبری، جواد و دیگران (۱۳۹۶ش)، مباحث اساسی در روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها)، ج ۴، تهران: انتشارات ساد.

سیاسی، علی اکبر (۱۳۶۷ش)، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

_____، _____ (۱۳۷۹ش)، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شارف، ریچارد اس (۱۳۸۱ش)، نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.

شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز (۱۳۷۷ش)، نظریه‌های شخصیت، مترجم یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر هما.

شیرافکن، علی (۱۳۹۱ش)، نظریه‌های شخصیت، ج ۲، تهران: پوران پژوهش.

عظیمی، سیروس (۱۳۵۳ش)، مباحث اساسی در روان‌شناسی شخصیت (رفتار شناسی)، چ ۲، تهران: [بی‌نا]

فروید، زیگموند (۱۳۸۳)، تمدن و ملالت‌های آن، مترجم محمد مبشری، تهران: نشر ماهی
_____، _____ (۱۳۸۴ش)، مکانیسم‌های دفاع روانی، مترجم حبیب گوهری‌راد و محمد جوادی، تهران: رادمهر

فیست، جس و دیگران (۱۳۸۷ش)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ ۳، تهران: نشر روان

کاپلان، سادوک و بنیامین هارولد (۱۳۶۶ش)، نوروژها و اختلالات شخصیت، ترجمه نصرت الله پورافکاری، تبریز: انتشارات تابش.

کریمی، یوسف (۱۳۸۹ش)، روانشناسی شخصیت، چ ۱۴، تهران: نشر ویرایش.

گنجی، حمزه و مهدی گنجی (۱۳۹۳ش)، نظریه‌های شخصیت، چ ۲، تهران: نشر ساوالان.

هلر، شارون (۱۳۸۹ش)، دانشنامه فروید، ترجمه مصطفی پردل، مشهد: ترانه.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷ش)، «روانشناسی ضمیر ناخودآگاه»، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

– کتاب انگلیسی:

1. Storr, Anthony, “Frued, a very short introduction”, 1989: Oxford, New York.

– پایان‌نامه عربی:

۱. الجاسم، علی حسین (۲۰۱۶م)، «محاضرة عن الوسائل اللاشعورية الدفاعية (الميكانيزمات الدفاعية)»، جامعة كربلا، كلية التربية البدنية و علوم الرياضة، رسالة الماجستير.

– پایان‌نامه فارسی:

زارع، محبوبه، (۱۳۹۰)، «مکتب‌های روانشناسی و ادب داستانی (بررسی آثاری چند از گلشیری از دیدگاه روانشناسی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم سبزواری.

محمدنیا، رضا، (۱۳۹۳)، «گونه‌شناسی اضطراب و مکانیسم‌های دفاعی بر پایه نظریات روان‌شناسی فروید و آدلر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

– مقاله عربی:

حسانین، حمدی، (۱۹۸۹م)، «آليات الدفاع العقلية و علاقتها بسمات الشخصية»، مجلة التربية و علم النفس، كلية التربية، جامعة المنيا، صص؟

ضمرة، يوسف، (۲۰۱۵م)، «العطر الفرنسي، رواية امير تاج السر»، مجلة أفكار، صص ۱۲۷-۱۲۳

– مقالات فارسی:

افخمی عقدا، رضا و همکاران، (۱۳۹۵). «واکاوی احساس کهنتری در شخصیت «عنه بن شداد» از رهگذر سروده هایش»، مجله زبان و ادبیات عربی (ادبیات و علوم انسانی سابق): دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۸، شماره ۱۴، صص ۲۷-۵۲

دهقان، علی و سهیلا قاسمی، (۱۳۹۱). «نقد روانشناختی آثار فروغ فرخزاد بر اساس مبانی روانکاوی فروید و آدلر»، فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۴۳-۵۹

صغیر، علیرضا (۱۳۹۵)، «تحلیل شخصیت کاووس در شاهنامه فردوسی با تکیه بر نظریه ساختار شخصیت فروید»، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۲۰-۱۰۷

معروف، یحیی و مسلم خزلی (۱۳۹۵)، «تحلیل روانشناسانه رمان زقاق المدق اثر نجیب محفوظ»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادب معاصر عربی دانشگاه یزد، سال ۶، شماره ۳، صص ۲۱۱-۲۳۵

دراسة سيكولوجية لبطل رواية «العطر الفرنسي» بناءً على نظرية «آليات الدفاع» للفرويد

بهنام فارسی*^۱، مریم صالح زاده، سلما قیومی

۱- أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة يزد

۲- أستاذة مساعدة في قسم علم النفس و الإرشاد النفسي بجامعة يزد

۳- طالبة ماجستير في اللغة العربية وآدابها بجامعة يزد

الملخص

تكشف رواية «العطر الفرنسي» عن حياة مجموعة من الشعب السوداني الذين كانوا يعيشون في حي «الغائب» بعيداً عن التفتات الحكام منكسرة ظهورهم تحت المصائب الاجتماعية والإقتصادية والثقافية والنفسية. كان بطل الرواية المسمى بـ «علي جرجار» الذي يمثل طبقة المعوزين السودانيين، يستفيد من آليات الدفاع النفسية هرعاً عن توتراته النفسية وآماله المكتوبة. المراد من آليات الدفاع النفسية هي تحركات نفسية تظهر لمقاومة الإضطراب والقلق واليأس إذا لم تؤدّ التصرفات المنطقية إلى النتيجة المطلوبة. كُتبت هذه المقالة عبر المنهج الوصفي - التحليلي واستناداً على ما يدور حول هذا الموضوع من الكتب والمقالات، للفحص عن السبب الرئيس في استخدام البطل للميكانيزمات الدفاعية وكيفية ظهور هذه الآليات في الرواية المدروسة كما يريد هذا البحث الإشارة إلى الآليات التي تم استخدامها أكثر من الأخرى إضافة إلى ذكر السبب في هذا الأمر. أهم ما وصلت إليه هذه المقالة من النتائج هي أنّ القلق والإستفزاز العصبي هما من أهم ما دفع البطل إلى استخدام الميكانيزمات الدفاعية، فقد تمسك بهذه الميكانيزمات لتخفيف ما استولى عليه من الإستفزازات والتوترات الذاتية وإلى العيش في الظروف الآمنة. من أكثر الآليات الدفاعية استخداماً لدى بطل الرواية نستطيع الإشارة إلى اللجوء إلى «الحلم» و«الكتب» حتى يغلب على أزماته النفسية ويردّ على حوائجه رداً صحيحاً ولكنّ مُني بالفشل؛ إذ خاض في عالم الخيال وإنفصل عن الناس، فأصبح شخصية اضطهادية متوهمة انتهت إلى الجنون.

الكلمات الرئيسية: النقد النفسي، سيجموند فرويد، آليات الدفاع النفسية، أمير تاج السر، رواية «العطر الفرنسي».